



مدیریت شهری و نقش آن در هدایت و کنترل توسعه فضایی - کالبدی مناطق پیراشهری یاسوج

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۷/۲۸

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۴/۱۹

صفحات: ۲۲۴-۲۰۵

فرزاد بابکان پور؛ دانشجوی دکتری گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.
محمد رضا رضایی؛ دانشیار گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.
احمد استقلال؛ استادیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.
محمد حسین سرایی؛ دانشیار گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.
سیدعلی الحسینی المدرسی؛ دانشیار گروه سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی، دانشکده فنی مهندسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

چکیده

افزایش جمعیت، رشد سریع شهرنشینی و خزش شهری عامل اصلی تولید فضاهای پیراشهری است. مدیریت شهری به عنوان یک نهاد محلی نقش اساسی در کنترل و هدایت روند گسترش کالبدی-فضایی شهرها دارد. الگوی کنونی مدیریت شهری در ایران منجر به بروز ناپایداری‌های فضایی-کالبدی و دست‌اندازی به فضاهای پیراشهری به ویژه زمین-های کشاورزی در بیش‌تر شهرها از جمله یاسوج شده است. پژوهش حاضر باهدف مدلسازی ساختاری مؤلفه-های مبنایی مدیریت شهری مؤثر بر هدایت و کنترل روند توسعه فضایی-کالبدی مناطق پیراشهری یاسوج صورت گرفته است. روش پژوهش مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی که با پیمایش میدانی جهت تکمیل پرسشنامه‌ها می‌باشد. جامعه آماری پژوهش، مدیران، متخصصان و کارشناسان نهادهای دولتی و عمومی شهر یاسوج است که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و به صورت هدفمند با استفاده از جدول تعیین حجم نمونه مورگان به تعداد ۱۴۸ نفر انتخاب شد. داده‌های گردآوری شده با بهره‌گیری از روش معادلات ساختاری و با استفاده از نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس (Smart P.L.S) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که مؤلفه‌های مبنایی مدیریت شهری (سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری شهری، برنامه‌ریزی و سازماندهی، امور اجرایی و خدمات شهری) به میزان ۰/۴۳۳، ۰/۳۷۲ و ۰/۴۸۷ تغییرات کنترل و هدایت روند توسعه فضایی-کالبدی محدوده مطالعاتی را تبیین می‌کنند. هم‌چنین تأثیر مؤلفه‌های مبنایی مدیریت شهری طبق آماره $t(935/12) = 888/4$ ، در سطح ۹۹ درصد معنادار بوده که بیانگر تأثیر مثبت و معنادار این مؤلفه‌ها بر کنترل و هدایت روند توسعه فضایی-کالبدی است. در مجموع این سه مؤلفه مدیریت شهری، ۰/۸۷۴ درصد متغیر هدایت و کنترل توسعه فضایی مناطق پیراشهری یاسوج را پیش‌بینی می‌کنند.

واژه‌های

کلیدی:

مدیریت شهری، توسعه فضایی - کالبدی، مناطق پیراشهری، یاسوج

¹ mrezaei@yazd.ac.ir

نحوه ارجاع به مقاله:

بابکان پور، فرزاد. رضایی، محمد رضا. استقلال، احمد. سرایی، محمد حسین. الحسینی المدرسی، سیدعلی. ۱۴۰۰. مدیریت شهری و نقش آن در هدایت و کنترل توسعه فضایی - کالبدی مناطق پیراشهری یاسوج. مجله توسعه فضاهای پیراشهری. ۳(۶): ۲۰۵-۲۲۴.



بعد از انقلاب صنعتی، شهرها با رشد سریع جمعیت و افزایش مهاجرت‌های عظیم روستا - شهری مواجه شدند (امینی و احمدتوزه، ۱۳۹۸: ۸۸) که با این روند رو به رشد جمعیت و گسترش شهرها در جهان، انتظار می‌رود حدود ۶۰ درصد از جمعیت جهان تا سال ۲۰۳۰ در مناطق شهری زندگی کنند که ۹۰ درصد آن در کشورهای در حال توسعه می‌باشد (El-Kawy et al., 2011: 487). با افزایش جمعیت شهرنشین در کشورها مسائل مختلفی همچون عدم تعادل‌های فضایی، نوسان شدید قیمت مسکن، خزش شهری (Williams et al., 2000: 229)، توسعه بدون برنامه‌ریزی، به زیرساخت رفتن اراضی مرغوب کشاورزی، چند برابر شدن محدوده‌های شهری (سیف‌الدینی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲) بروز پیدا کرده‌است. این معضل همان الگوی گسترش یا پراکنش افقی شهری است که منشأ بسیاری از مشکلات در شهرهای در حال توسعه و توسعه یافته شده است (پوراحمد و همکاران، ۱۳۸۹: ۳). در واقع امروزه اکثر شهرها به دلیل محدودیت‌های گوناگون با مقوله توسعه کالبدی - فضایی درگیرند. توسعه کالبدی - فضایی و رشد شهرها فرآیندی است که کالبد شهری طی آن رشد می‌کند، فعالیت‌ها و کاربری‌های شهری در آن دچار تحول و محیط شهری و محدوده‌های اطراف دستخوش تغییر می‌شوند. این اصطلاح دربرگیرنده توسعه فیزیکی - کالبدی شهر و تغییر در رشد کاربری‌ها و تغییرات سرانه‌های شهری و دربرگیرنده فضای غیرشهری اطراف شهر برای توسعه شهری است (حسینی - خواه و زنگی‌آبادی، ۱۳۹۶: ۱۴۷) که در قالب فعالیت‌های انسانی یا کاربری اراضی در شهرها و شهرک‌ها دیده می‌شود (Amoatenge et al., 2014: 17) و به‌عنوان فرآیندی پویا و مداوم سبب می‌شود محدوده‌های فیزیکی و فضاهای کالبدی شهر در جهات افقی و عمودی از حیث کمی و کیفی افزایش یابند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵۲) که اگر این روند رشد، سریع و بی‌برنامه باشد به تنسيق فیزیکی متعادل و موزون فضاهای شهری نمی‌انجامد و سامانه‌های شهری را با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌کند (فردوسی، ۱۳۸۴: ۸۷) چراکه نبود کنترل و نظارت بر توسعه فضایی باعث ناپیوستگی سطحی، نابودی اراضی کشاورزی و افزایش هزینه تأسیسات و تجهیزات شهری می‌شود (Olga et al., 2016: 47)، کنترل توسعه در سطح شهرها را با سختی مواجه می‌کند و نهایتاً ناتوانی و بی‌توجهی مقامات دولتی در ساماندهی فعالیت‌های سوداگرایانه توسعه‌دهندگان اراضی شهری را به دنبال خواهد داشت (Anisah & Francisca, 2016: 60). بنابراین شناخت و مطالعه الگوهای توسعه فضایی یک شهر می‌تواند آثار وارده الگوی رشد را ارزیابی کرده و برنامه‌ریزی ویژه‌ای را برای شهر توصیه کند تا بر پایه آن بتوان به سایر مراحل برنامه‌ریزی توسعه در محدوده مطالعاتی دست‌یافت (اسمعیل پور و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۶). در همین راستا بررسی مراحل رشد و توسعه فضایی شهرهای جهان از گذشته تا به امروز نشان می‌دهد که تغییرات تکنولوژیک قرن اخیر به‌ویژه تکنولوژی حمل‌ونقل، باعث رشد سریع فیزیکی شهرها و تبدیل شهرهای فشرده به شهرهای گسترده شده است. در این میان الگوی رشد و توسعه ناموزون که به‌عنوان الگوی اسپیرال در ادبیات جهانی مطرح است، در کشورهای توسعه‌یافته الگویی برنامه‌ریزی‌شده و در کشورهای در حال توسعه الگویی بدون برنامه محسوب می‌شود که باعث رشد و توسعه گسترده شهرها، گسترش شهرنشینی و شدت گرفتن مشکلات زیست‌محیطی در شهرهای کشورهای در حال توسعه شده است (مدیری و همکاران، ۱۳۹۶: ۸).

به طور کلی گسترش سریع شهرها اثرات زیانباری در محیط بر جای می گذارد. گسترش فیزیکی شهر، جذب جمعیت مهاجر به روستاهای حاشیه شهر و توسعه فیزیکی روستاهای مذکور به سوی شهر، به مرور زمینه ادغام روستاها را در شهر فراهم می سازد. به این ترتیب از جمله پیامدهای عمده شهرنشینی شتابان، گسترش فضایی شهرها و ادغام روستاها و اراضی پیرامونی است (فیروزنیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۲). در این بین فضاهای پیراشهری یکی از مهم ترین عواملی می باشند که برنامه ریزان بخش توسعه از آن به عنوان ابزار مهم در سطوح مختلف ملی، منطقه ای و محلی یاد می کنند. ناحیه پیرامونی شهر که به شدت تحت تأثیر فعالیت های شهری قرار دارد اغلب به عنوان پیراشهر شناخته می شود. بدین شکل که شهرها با پیشروی به سوی فضاهای زیستی، اراضی کشاورزی و محیط طبیعی موجب شکل گیری و دگرگونی شهرها در اندازه های گوناگون، دگرگونی از ماهیت روستایی به شهری در روستاهای در مرحله گذار و پدیدار گشتن پیراشهرنشینی می شوند (دانشپور، ۱۳۸۵: ۱۳). در کشورهای در حال توسعه به مناطقی که در حاشیه های شهرها به تازگی شهری نشین شده و محل اتصال حومه به شهر است پیراشهر گفته می شود که غالباً به عنوان نواحی مختلط تحت نفوذ شهر، اما با مورفولوژی و ریخت شناسی روستایی در نظر گرفته می شوند و به صورت یک ناحیه در حال گذار از محیط به شدت روستایی به محیطی کاملاً شهری توصیف می شود که تحت فشار برای توسعه شهری است (Caruso, 2015: 16; Bertrand, 2007: 65) و با توجه به روند رو به رشد خود نیاز به مدیریتی پویا دارند که متضمن دستیابی به توسعه پایدار شهری در بخش های فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی باشد. ایران نیز به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه از این قاعده مستثنی نبوده است به طوری که در دوران پس از انقلاب اسلامی، رشد سریع جمعیت شهری، زمینه ساز گسترش انفجاری در شهرها به خصوص شهرهای بزرگ بوده است (پورمحمدی و جام کسری، ۱۳۹۰: ۳۷) بدین ترتیب یکی از ویژگی های سازمان فضایی کانون های جمعیتی ایران، عدم شکل یابی و تغییر و تحولات کالبدی بر اساس بنیان های قاعده مند است. به طوری که عمده مسائل فراروی نظامات برنامه ریزی و جریانات هدایت گر سیاسی تصمیماتی، از انتظام ناپذیری و بی برنامه گی تغییرات فضایی - کالبدی در سطح سکونتگاه های انسانی نشأت می گیرد. بر این اساس در سطح کشور، شهرها به واسطه پیوندهای جغرافیایی با سکونتگاه های روستایی و اینکه عمدتاً از رشد نامتقارن و شتاب زده برخوردارند، در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فضایی و کالبدی کانون های روستایی دور و نزدیک را متأثر می سازد که در بسیاری از موارد به دلیل موجی بودن این جریانات، آن دسته از روستاها که در کم ترین فاصله با شهرها قرار داشته بیش ترین تأثیرات را می پذیرند (افراخته و حجی پور، ۱۳۹۲: ۱۷۶).

شهر یاسوج نیز به عنوان مرکز استان کهگیلویه و بویراحمد که به دلایل سیاسی، امنیتی و به منظور اسکان جمعیت کوچ رو و ایجاد پایگاهی برای استقرار ادارات و سازمان های دولتی در سال ۱۳۴۴ ایجاد گردیده است. علی رغم انسجام فضایی و فشردگی در مرحله پیدایش و رشد ارگانیک آن، در پی تحولات ناشی از مهاجرت های روستایی، افزایش جمعیت و تغییرات شهرسازی معاصر به کلی متحول شده است. بدین ترتیب شهری که تا چند دهه پیش در فضایی محدود شکل گرفته بود امروزه تغییرات فضایی قابل توجهی داشته است به طوری که در نتیجه رشد کالبدی - فضایی لجام گسیخته و غیر برنامه ریزی شده بسیاری از اراضی مرغوب کشاورزی و باغات پیرامون را نابود کرده و رشد پراکنده

(Sprawl) شهری مدیریت اراضی اطراف را با مشکل مواجه ساخته و علاوه بر این هزینه‌های زیرساختی و خدمات شهری را به طور قابل توجهی بالا برده است. گسترش پیراشهری در اطراف شهر یاسوج و پیشروی شهر در محیط پیراشهری آن که تحت شرایط سوداگری کنترل نشده زمین و فقدان الگو و سازوکارهای هدایت نظام‌مند آن شکل گرفته است می‌تواند موجب بروز پیامدهای منفی ناشی از گسترش بی برنامه شود و علاوه بر انحطاط زیست محیطی، در غیاب پیش‌نگری و دوراندیشی‌های لازم باعث سایر مشکلات اقتصادی، اجتماعی و امنیتی توسعه کل شهر و منطقه پیراشهری یاسوج خواهد شد. بنابراین با توجه به چرخه رشد فیزیکی شهر یاسوج، تسخیر فضایی - کالبدی برخی از روستاهای پیراشهری آن، تغییر کاربری اراضی و پیامدهای اقتصادی، زیست محیطی و کالبدی گسترش بی‌برنامه و نامتوازن و از سوی دیگر با عنایت به اینکه مدیریت شهری به‌عنوان یکی از اثرگذارترین عناصر در ساماندهی و برنامه‌ریزی شهرها نقش بسیار مهمی در اداره امور شهرها دارد، به طوری که نحوه مدیریت بر جریان مطلوب زندگی شهری، می‌تواند در بهبود سکونتگاه‌های انسانی و پایداری توسعه شهری مهم‌ترین نقش را ایفا کند ضروری است که جهت ارتقای کیفیت زندگی در شهر یاسوج به مدیریت مناطق پیراشهری توجه جدی شود. بدین دلیل که اگر مناطق پیراشهری به‌درستی مدیریت نشوند شهر را نمی‌توان به‌عنوان یک سیستم زنده و هوشمند به‌خوبی هدایت کرد و این امر منجر به بروز چالش‌های فراوانی در شهر و محیط پیراشهری خواهد شد. لذا این پژوهش باهدف مدلسازی ساختاری مؤلفه‌های مبنایی مدیریت شهری مؤثر بر هدایت و کنترل روند توسعه فضایی - کالبدی نامتوازن مناطق پیراشهری شهر یاسوج صورت گرفته است.

توسعه کالبدی - فضایی در مناطق پیراشهری

ساختار کالبدی - فضایی از کلیدی‌ترین مفاهیم برنامه‌ریزی شهری است چراکه با تمام عناصر و مؤلفه‌های ساختاری شهر درگیر بوده و بیانگر چگونگی استقرار و عملکرد این عناصر در سطح شهر است که مؤلفه‌های متعددی در تولید این فضا دخیل هستند از قبیل مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و غیره که این عوامل همگی جمع می‌شوند و نهایتاً در قالب مورفولوژی شهری تبلور می‌یابند (Wiedmann et al., 2012:13). به‌عبارتی دیگر ساختار کالبدی - فضایی یک شهر از یک‌سو، برآیند تمام نیروهای انسانی، طبیعی و انسان‌ساخت است که هم دارای نمود عینی و هم نمود ذهنی است و با توجه به اینکه چگونگی رشد هر شهر تحت تأثیر عوامل متعددی چون محدودیت‌های طبیعی و امکانات آن، سیاست‌های برنامه‌ریزان و چگونگی مصرف زمین و بسیاری عوامل دیگر قرار دارد، از این رو آگاهی از ساختار فضایی و نحوه گسترش شهر می‌تواند یکی از عوامل تأثیرگذار در میزان موفقیت برنامه‌ریزان شهری باشد و به بهبود محیط‌های شهری کمک شایانی نماید (قدمی و یوسفیان، ۱۳۹۳: ۶۴) و از سوی دیگر با توجه به اینکه رشد و گسترش کالبدی - فضایی شهر، فرآیندی است که بر تمام نظام‌ها و ساختارهای شهر به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تأثیر می‌گذارد لذا چنانچه این فرآیند جریان درستی را طی نکند اثرات نامطلوب بسیاری را بر اجزای مختلف شهر بر جای می‌گذارد (خیرالدین و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۶).

امروزه ساختار کالبدی - فضایی به واسطه تحولات توسعه جمعیتی و تغییرات کاربری اراضی ناشی از آن، ادغام روستاها در بافت فیزیکی شهرها و غیره پیوسته دستخوش تغییر و تحول قرار گرفته است (Natale et al., 2014: 162). به طوری که بررسی سیر تکامل توسعه شهری نشان می‌دهد شهرها از زمان شروع تا به امروز دارای روند توسعه نسبتاً متعادلی بوده‌اند و در اکثر فضاهای شهری همه عناصر شهری دارای یک همگونی و سازگاری خارق‌العاده با یکدیگر بوده‌اند اما تحولات فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی قرن ۱۹ و ۲۰ متأثر از مدرنیسم، گسترش سریع شهرها و پیدایش کلان‌شهرها را موجب شده و تغییرات بنیادی را در ساختار و سازمان فضایی - کالبدی آن‌ها به وجود آورده است. در همین ارتباط بررسی روند تاریخی توسعه شهرهای جهان نیز بیانگر گسترش الگوی توسعه پراکنده و ناموزون شهر در کشورهای مختلف جهان است. این پدیده که از ابتدای قرن بیستم آغاز شد، پس از جنگ جهانی دوم در بسیاری از شهرهای جهان تسریع یافته و در دهه‌های اخیر در اغلب شهرها مشکل‌آفرین شده است (پورمحمدی و جام کسری، ۱۳۹۰: ۵۰) به گونه‌ای که در کلانشهرهای کشورهای در حال توسعه، رشد ناموزون و بدون برنامه جمعیت و فعالیت باعث گسترش رشد سریع شهری و در نتیجه کمبود امکانات زیرساختی و منابع آن شده است. در حقیقت رشد و گسترش ناموزون یکی از اشکال رشد و گسترش شهر است که بر اساس عوامل متعددی همچون دگرگونی بنیان اقتصادی شهر، فراهم شدن امکان بورس‌بازی زمین، سیاست‌های سهل‌انگارانه شهرسازی، تصمیم‌گیری‌های ناگهانی برای توسعه شهری و قوانین ناکارآمد شهری شکل می‌گیرد و سبب ظهور بافت‌های خودرویی شهری و تخریب مراتع و اراضی کشاورزی شده و نهایتاً زمینه‌های ناپایداری شهری را فراهم می‌آورد (قدیری و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۳). اگرچه عوامل مختلفی همچون؛ گسترش نامحدود بیرونی، زیستگاه‌های تجاری و مسکونی کم تراکم، توسعه‌های جسته‌و‌گریخته و منفک، نبود برنامه‌ریزی متمرکز یا نظارت بر زمین، تسلط حمل‌ونقل عمومی، تفکیک انواع کاربری‌های مختلف در پراکنش شهرها مؤثرند (احدنژاد روشتی و حسینی، ۱۳۹۰: ۱۸) اما روند بورس‌بازی و معاملات قماری زمین یکی از عوامل اصلی برای توسعه فیزیکی ناموزون شهرها محسوب می‌شود (رهنما و رضائیان، ۱۳۹۳: ۳). کشور ایران نیز همچون سایر کشورهای در حال توسعه شاهد چنین روندی از توسعه ناموزون بوده است. تحولات نظام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران به‌ویژه از دهه ۱۳۴۰ به بعد و گسترش شتابان شهرنشینی و به تبع آن افزایش جمعیت شهرها در اثر روندهای مهاجرتی از روستا به شهر، مهم‌ترین عامل و منشأ تغییرات در اثر گسترش شهرنشینی نابسامان کشور بوده است. در بررسی پیشینه توسعه شهرهای کشور می‌توان گفت که شهرهای ایران دو سناریو رشد را تجربه کرده‌اند؛ سناریو رشد شهر در مدل ارگانیک که تا دوره پهلوی و به‌خصوص قبل از اصلاحات اراضی دهه ۴۰ در توسعه فضایی شهرها حاکمیت داشته و تأثیر آن بیشتر به صورت درون‌ریزی جمعیت شهری بوده است. در این فرآیند تغییرات ساختاری عموماً محتوایی بوده و الگوی رشد شهر فشرده مانده بود. سناریو دیگری که شهرهای ایران در ربع قرن اخیر در مرحله رشد شهری از سر گذرانده، مدل رشد غیرارگانیک بوده است، در این فرآیند رشد فضایی بسیار سریع‌تر از رشد جمعیت و نیاز واقعی شهر بوده و شهرها دچار گسترش پراکنده بی‌رویه‌ای شده‌است (پورمحمدی و جام کسری، ۱۳۹۰: ۴۴) با توجه به اینکه شهرها بر نواحی روستایی پیرامون خود در ابعاد گوناگون محیطی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی تأثیرات

ژرفی می گذارند (قربانی و رحمانی، ۱۳۹۴: ۱۲) این نرخ سریع توسعه شهری نامتوازن موجب شکل گیری و تغییرات وسیع در الگوی کاربری فضاهای پیراشهری اکثر مناطق کشور شده است. نواحی پیراشهری فضاهایی هستند که با رشد سریع اجتماعی و وابستگی متقابل بین منابع طبیعی، کشاورزی و فرآیندهای شهری همراه می باشند و به عنوان فضایی اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی و ناحیه مکمل شناخته می شوند که دارای محدودیت ها و فرصت های زیادی است (کاظمیان و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۷۰) ساکنان این نواحی حتی اگر در الگوی فضایی به شدت شهری هم زندگی نکنند، به خاطر شیوه زندگی و تمرکز اجتماعی بر روی شهری شدن، می توانند شهری در نظر گرفته شوند. این تحولات شهری که جایی از هسته شهری رخ می دهند می توانند با اصطلاح پیراشهرنشینی تعریف شوند (رفیعی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۴) که بارزترین ویژگی های این نواحی؛ شتاب گسترش کاربری های مسکونی و تجاری شهری و کاهش فعالیت های روستایی، رشد سریع ولی بدون برنامه با خدمات رسانی زیرساختی ناکافی، ساکنانی با درآمد کم و متوسط و رشد بازارها می باشد (Amoateng et al., 2014: 19).

بنابراین الگوی توسعه فضایی پراکنده و تبعات ناشی از آن از جمله شکل گیری نواحی پیراشهری، نیازی مبرم به تدوین برنامه ای منسجم و دقیق دارد زیرا با شدت گرفتن توسعه شهر، برنامه ریزی برای توسعه های آتی جهت کاهش میزان تخریب در زمینه های مختلف امری بارز و تلقی می گردد. لذا عملیاتی شدن این امر و دسترسی به ساختار شهری متناسب، در گرو سازمان و نظام مدیریتی کارآمد می باشد (علیان و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۰۰) در همین راستا بررسی سیر تاریخی تکامل اندیشه و عمل در مدیریت و برنامه ریزی شهری نشان می دهد که تا پیش از صنعتی شدن شهرها، سازمان-یابی شهرها تقریباً به صورت خود به خودی و ارگانیک شکل می گرفت اما با افزایش جمعیت شهری، تنوع فعالیتی و جمعیتی شهر و تحولات کالبدی به دنبال آن، معادلات پیشین حاکم بر سازمان فضایی متحول گشته و شهر با مسائلی در عرصه های مختلف محیطی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی مواجه می شود که در گذشته سابقه نداشته است. از این زمان نظریه پردازی در برنامه ریزی و مدیریت فضایی شهرها مطرح گردید و مدیریت شهری به عنوان فرآیند بر عهده گرفتن نقشی فعال در توسعه، مدیریت و هماهنگ سازی منابع برای دستیابی به توسعه شهری تعریف شده است. در حقیقت مدیریت شهری عبارت است از یک سازمان گسترده اقتصادی و کالبدی رسمی و غیررسمی مؤثر و ذی ربط در ابعاد مختلف اجتماعی که کنترل و هدایت توسعه همه جانبه شهر را بر عهده دارد (آرزم و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۶) و یک عامل مهم در حیات، رشد و بالندگی یا مرگ یک شهر است و روند حرکت از وضعیت موجود به سوی وضعیت مطلوب را کنترل می کند. اگر این مدیریت را عامل اصلی هر سازمان، نهاد و بخش جدانشدنی هر برنامه ریزی بدانیم از این رو باید گفت که برنامه ریزی، سازماندهی، هدایت، هماهنگی، کنترل و اصلاح برنامه ها عناصر اصلی چرخه مدیریت شهری محسوب می شوند که با استفاده بهینه از ارکان خود می تواند در جهت ساماندهی فضاها و عناصر داخل شهر اقدام و به فرآیند پایداری شهری کمک کند. در ادامه به شماری از مطالعات داخلی و خارجی انجام شده در این زمینه در قالب جدول شماره (۱) اشاره شده است.

جدول ۱. پیشینه داخلی و خارجی پژوهش

نویسندگان / سال	عنوان پژوهش	یافته‌های پژوهش
عنابتانی و فعال جلالی (۱۴۰۰)	تحلیل میزان اثرگذاری نظارت دهیاری‌ها بر ساخت و سازهای توسعه کالبدی (مطالعه موردی: روستاهای پیراشهری کلانشهری مشهد)	بین نظارت دهیاران و شاخص‌های توسعه کالبدی - فضایی رابطه معناداری وجود دارد. هر چه نظارت بیشتر باشد جهت توسعه کالبدی - فضایی متوازن‌تر خواهد بود.
اسمعیل‌پور و همکاران (۱۳۹۹)	تحلیل کمی الگوی رشد کالبدی - فضایی شهر اراک	علی‌رغم رشد اسپیرال شهر اراک طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۶۵، شهر الگوی رشد فشرده را از سال ۱۳۹۰ به بعد آغاز و از نظر نحوه توزیع فضایی جمعیت، تعادل نسبی در توزیع جمعیت در مناطق پنج‌گانه شهر دیده می‌شود و هم‌چنین شهر الگوی رشد خوشه‌ای با شکل‌گیری یک نقطه داغ در بخش مرکزی و بافت ارگانیک و یک نقطه سرد در بخش شرق - شمال شرقی دارد.
جمشیدزهی‌شاه - بخش و قنبری (۱۳۹۹)	خزش شهری و تحولات کالبدی - فضایی سکونتگاه‌های پیراشهر زاهدان	اثرات خزش شهری زاهدان و جریانات فضایی حاکم بر آن باعث تحولات کالبدی - فضایی در ابعاد مختلف در نواحی روستایی پیراشهری گردیده است. این اثرات بر بخش کشاورزی منفی، در بخش خدمات مثبت و در بعد اجتماعی حاکی از ایجاد نقش خوابگاهی و افزایش جابه‌جایی جمعیت و تبادلات فرهنگی از روستاهای پیرامونی به شهر زاهدان بود.
طولایی‌نژاد و سهرابی (۱۳۹۹)	تحلیل عملکرد مدیران سکونتگاه‌های پیراشهری با رویکرد توسعه پایدار فضا (مورد: شهرستان پلدختر)	بیشترین رضایت مردم محلی از عملکرد دهیاران به ترتیب مربوط به بعد زیست‌محیطی، بعد اجتماعی و اقتصادی بوده است. از طرفی بین عملکرد دهیاری‌ها در روستاهای هدف شهرستان پلدختر تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
ریاحی و معصومی (۱۳۹۹)	چالش‌های مدیریت روستایی و نقش آن در توسعه‌نیافتگی روستاهای پیراشهری (مورد: شهر شیراز)	چالش اجتماعی - فرهنگی مهم‌ترین چالش پیش روی مدیریت روستایی در روستاهای پیراشهر شیراز است. با افزایش فاصله از شهر، میزان چالش‌های مدیریت روستایی تأثیر کم‌تری بر توسعه‌نیافتگی روستاهای پیرامون شهر دارد. روستاهایی که به شهر نزدیک‌تر بوده‌اند بیشتر تحت قوانین و مقررات شهر قرار داشته‌اند.
امینی و احدت‌توزه (۱۳۹۸)	تحلیلی بر جهات بهینه توسعه فضایی - کالبدی شهر مهاباد	از کل محدوده مورد مطالعه، ۱۰/۸۵ درصد خیلی مناسب و بدون محدودیت، ۸/۶۷ درصد مناسب، ۲۰/۴ درصد متوسط، ۲۸/۹ درصد نامناسب و ۳۱/۱۸ درصد از کل مساحت محدوده مورد مطالعه خیلی نامناسب برای توسعه کالبدی - فضایی شهر می‌باشد. لذا مناسب‌ترین جهات توسعه شهر به ترتیب جنوب غرب، شمال غرب و شمال شهر می‌باشد.
حقی‌پناه و همکاران (۱۳۹۸)	تبیین نقش الگوی مدیریت زمین شهری مبتنی بر توسعه کالبدی - فضایی شهرها (مورد پژوهی: منطقه ۱۲ کلانشهر تهران)	الگوی کنونی مدیریت زمین شهری در منطقه ۱۲ کلانشهر تهران منجر به بروز ناپایداری‌های کالبدی - فضایی شده است.
پوریوسفی (۱۳۹۸)	نقش مدیریت شهری و شهرداری در توسعه کالبدی - فیزیکی شهرها با تأکید بر تغییر کاربری اراضی (مطالعه موردی: شهر چالوس)	نقش مدیران شهری در تدوین و اجرای طرح‌ها و تحقق‌پذیری توسعه شهری با تأکید مشارکت عمومی شهروندان پرننگ‌تر می‌باشد و همچنین ساختار تشکیلاتی و سطح تخصص مدیران شهری در عملکرد بهینه و دستیابی به اهداف مدیریت شهری در راستای توسعه فضایی - کالبدی شهر چالوس نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند.
سیاف‌زاده و ظاهری (۱۳۹۶)	بررسی عملکرد مدیریت شهری و نقش آن در توسعه فضایی - کالبدی (مطالعه موردی: شهر سردشت)	سطح رضایت عمومی شهروندان شهر سردشت در رابطه با عملکرد مدیریت شهری نسبتاً پایین می‌باشد به طوری که نسبت به عملکرد شهرداری در ارتباط با سرویس‌های خدمات شهری رضایت نسبی در ساکنین دیده می‌شود اما نسبت به تحقق شاخص‌های اجتماعی - فرهنگی و فنی - عمرانی رضایت چندانی در شهروندان دیده نمی‌شود.

کاظمیان شیروان و همکاران (۱۳۹۶)	بررسی استقرار خرده نظام مدیریت مناطق منطقه ۲۲ شهر تهران تحت تأثیر عوامل و نیروهای مختلفی شکل گرفته و در قلمروی پیراشهری (مطالعه موردی: منطقه ۲۲ فضایی پیرامون کلانشهر گسترش یافته است باید با دقت و حساسیت بیش تری به کلانشهر تهران) مدیریت ساختاری - کارکردی آن پرداخته شود.
چنگادو (۲۰۲۱)	به بررسی چگونگی تأثیر گذاری قوانین استعمار بر توسعه فضایی زیمباوه و زامبیا پرداخته و بیان کردند که توسعه فضایی این دو شهر به شدت تحت تأثیر قانون استعمار بوده با این حال زامبیا قانون برنامه ریزی مکانی خود را در سال ۲۰۱۵ مورد بازبینی قرار داده و برنامه ریزی توسعه پایدار یکپارچه را تصویب کرده است.
کاراکوزولو و همکاران (۲۰۲۰)	به بررسی توسعه فضایی شهر آداپازاری (Adapazarl) ترکیه پس از زلزله ۱۹۹۹ پرداخته و دریافته اند که این شهر طی سال های اخیر رشد سریعی در جهت های شمالی، غربی، جنوبی و شرقی داشته است. مساحت ۱۷۵۵ هکتاری شهر در سال ۲۰۱۷ به ۵۹۷۱ هکتار در سال ۲۰۱۷ رسیده است. همچنین اولین مسیر توسعه شهر به سمت شمال بوده در نتیجه سردیوان که نزدیکترین منطقه به مرکز شهر و یک منطقه ایمن از نظر زلزله است در دوره بعد از زلزله به سرعت توسعه یافته است.
فانگ و سونگ ^۳ (۲۰۱۷)	در مقاله ای سیاست های توسعه شهری و رشد دینامیک شهرهای چین را متأثر از سیاست های شهری دولت ها می دانند. طوری که معتقدند سیاست محدود سازی رشد شهرهای بزرگ در طول دهه ۱۹۹۰-۱۹۸۰ باعث رشد شهرهای کوچک و متوسط شده و سیاست کنترل آرام رشد شهرهای بزرگ بعد از سال ۱۹۹۸ باعث رشد شهرهای بزرگ بعد از سال ۲۰۰۱ شده است.
چینگسانگ هی و همکاران ^۴ (۲۰۱۷)	معتقد است رشد ناموزون فضایی - کالبدی در چین در شهرهای با تولید ناخالص داخلی بالا و سطح بالای توسعه اقتصادی - اجتماعی اتفاق افتاده است.
ویلسون و پیرس ^۵ (۲۰۱۷)	در بررسی چالش های مدیریت میراث فرهنگی در منطقه پیراشهری کوئینزلند بیان کردند که توسعه روابط سازنده تر و عادلانه تر بین بومیان مناطق پیراشهری و تصمیم گیرندگان غیر بومی، باعث بهبود وضعیت مدیریت این مناطق می شود.
اوینگ و همکاران ^۶ (۲۰۱۶)	نقش پراکندگی ناموزون شهری را در جابه جایی طبقاتی در ایالات متحده بررسی کرده و بیان کردند که پراکندگی ناموزون شهری به هر دلیلی که به وجود آمده باشد می تواند تأثیر مثبتی چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم در شکل گیری و پایداری نظام طبقاتی داشته باشد.
اوسو آنساه و آتا بوتنگ ^۷ (۲۰۱۶)	به تحلیل فضایی کنترل رشد فیزیکی - کالبدی شهر سکوندی - تاکورادی (غنا) پرداختند و بیان کردند که کنترل های توسعه به سختی اجرا و عملی می شود و مقامات دولتی نیز عمدتاً به فعالیت سازندگان متخلف موافقت کرده اند که ریشه این امر به برنامه ریزی متمرکز برمی گردد. لذا ظرفیت سازی نهادی برای مدیریت شهرهای در حال رشد سریع بهترین ایده است که این نیاز به مداخلات نوآورانه دولت در روند کنترل توسعه فیزیکی شهر را نشان می دهد.
ویلسون (۲۰۱۵)	در پژوهش مدیریت در مناطق پیراشهری نتیجه گرفت که عوامل اقتصادی، تأثیر زیادی بر میزان تمایل ساکنان به واگرایی و استقلال مدیریتی پیراشهرها از کلان شهرها دارند.

^۱Andrew Chigudu

^۲Karakuzulu et al

^۳Fang & Song

^۴Qingsong He

^۵Wilson & Pearce

^۶Queensland

^۷Ewing et al

^۸Owusu-Ansah & AttaBoateng

^۹Sekondi-Takoradi

روشن‌شناسی

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت و روش، تحقیق توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و میدانی است. بدین طریق که از یک سو، مفاهیم اصلی تحقیق نظیر توسعه فضایی-کالبدی، رشد ناموزون شهری، نواحی پیراشهری، مدیریت شهری و غیره از طریق مطالعات کتابخانه‌ای-اسنادی به طور کامل تعریف و تبیین شده است و از سوی دیگر در بخش میدانی ابزار گردآوری داده‌ها باهدف مدلسازی ساختاری مؤلفه‌های مبنایی مدیریت شهری مؤثر بر روند کنترل توسعه فضایی-کالبدی مناطق پیراشهری یاسوج، پرسشنامه می‌باشد. در همین راستا پرسشنامه متناسب باهدف پژوهش در اختیار مدیران، متخصصان و کارشناسان نهادهای دولتی و عمومی شهر یاسوج قرار داده شد. لذا جامعه آماری پژوهش، مدیران، متخصصان و کارشناسان نهادهای دولتی و عمومی شهر یاسوج است که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و به صورت هدفمند با استفاده از جدول تعیین حجم نمونه مورگان به تعداد ۱۴۸ نفر انتخاب شده است. روایی پرسشنامه به شکل محتوایی و صوری و براساس نظر متخصصان بررسی شد؛ بدین صورت که با توجه به متغیرهای مورد مطالعه و اطلاعات مورد نیاز، طرح اولیه پرسشنامه شکل گرفت و چندین نوبت با هدایت اساتید اصلاح شد. جهت اطمینان بیش تر از روایی پرسشنامه بدون تغییر چارچوب اولیه آن، دیدگاه‌های متخصصان آشنا به فنون آماری و مسائل برنامه‌ریزی شهری روی آن اعمال شد و نسخه نهایی پرسشنامه تنظیم گردید. ضریب پایایی پرسشنامه نیز با تکنیک آلفای کرونباخ محاسبه شد. با توجه به اینکه ضریب پایایی به میزان ۰/۷۳۲ به دست آمده و بیشتر از ۰/۷ است بیانگر ارتباط گویه‌ها با یکدیگر است. پرسشنامه مذکور در سه بعد تنظیم شده است که شامل ۱۲ گویه در بعد تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری شهری، ۱۱ گویه در بعد برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی شهری و ۱۶ گویه در بعد امور اجرایی و خدمات شهری که با استفاده از طیف پنج گزینه‌ای لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است (جدول ۲). نهایتاً جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش معادلات ساختاری و با استفاده از نرم‌افزار اسمارت پی ال اس (Smart P.L.S) بهره گرفته شده است.

جدول ۲. متغیرها و معرف‌های مدیریت شهری مؤثر بر روند توسعه فضایی-کالبدی مناطق پیراشهری یاسوج

متغیرها	معرف‌ها
تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری	تخصیص اعتبارات و پروژه‌ها بر اساس اولویت‌های محلات و نواحی مختلف شهر
	صادق بودن شهرداری با مردم در دادن اطلاعات و اخبار درست و آگاهی بخشی به آن‌ها در ارتباط با مسائل و سیاست‌های اداره شهر
	شناسایی ظرفیت‌ها، پتانسیل‌ها و مزیت‌های نسبی شهر و اطلاع‌رسانی بین مردم جهت جلب سرمایه‌گذاران
	رعایت اصول و ضوابط مرتبط با مسائل زیست‌محیطی و بهداشتی شهر در ارائه مجوزهای کسب و کار از سوی شهرداری
	تخصیص اعتبارات و منابع شهرداری در راستای اولویت‌ها و نیازمندی‌های واقعی عمرانی و خدماتی شهر
تعمیرات	رعایت شهرداری و شورا با شهروندان جهت استفاده از نظرات مردم در حل مسائل شهر یا اختصاص پروژه‌های شهری
	تعمیرات و هماهنگی شهرداری با سایر سازمان‌های دولتی جهت اجرای هماهنگ پروژه‌های عمرانی شهر
	رعایت ضوابط برنامه‌ریزی در صدور مجوزهای ساخت و ساز توسط شهرداری

مدیریت شهری و نقش آن... (بابکان پور و همکاران)

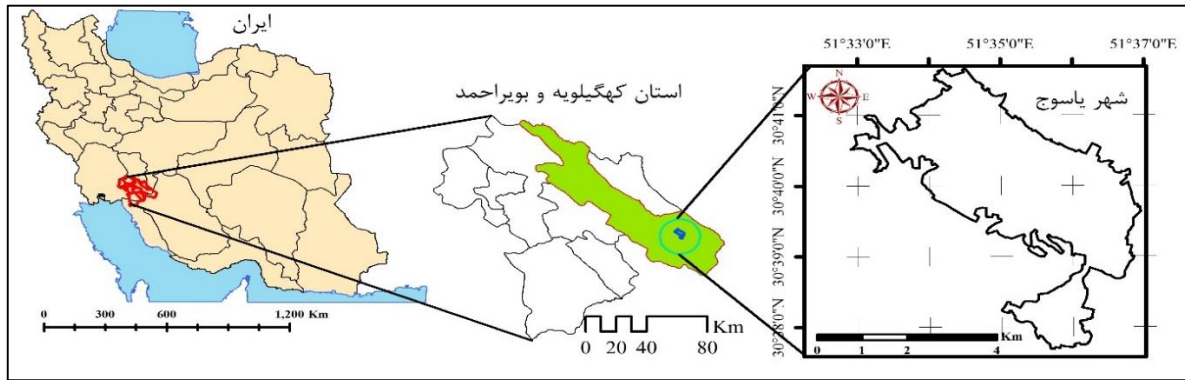
برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی شهری	حمایت شهرداری و شورای شهر از تشکیل سازمان‌های خودجوش و مردمی در موضوعات مختلف شهری	رعایت ضوابط برنامه‌ریزی مربوط به ایجاد فضاهای سبز، ورزشی، آموزشی، بهداشتی توسط شهرداری
	تهیه برنامه عمرانی پنج‌ساله شهر و اطلاع‌رسانی محتوای آن به شهروندان	مطالعه و مراجعه برای شناسایی و اولویت‌بندی نیازمندی‌های محله و شهر توسط شهرداری
	برنامه‌ریزی و ساماندهی معابر و شبکه‌های ارتباطی شهر و تلاش برای نگهداری و توسعه آسفالت خیابان‌ها و گذرها	مراجعه برای تنظیم شناسنامه جهت تعیین وضعیت مقاومت ساختمان‌ها در برابر بحران‌های طبیعی نظیر زلزله
	تغییر کاربری اراضی کارگاهی، امنیتی و نظامی داخل شهر به کاربری‌های مناسب	مراجعه برای تنظیم شناسنامه مشخصات کامل برای املاک و ساختمان‌ها
	تعیین حدود و تهیه نقشه جامع شهرسازی برای شهر و حریم آن و مقررات مربوطه	مراجعه برای شناسایی وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانوارها در جهت تولید مسکن متناسب با نیازهای شهروندان (خانه‌های ارزان)
	برنامه‌ریزی برای جذب توریست با ارائه زیرساخت‌های لازم و ساماندهی مراکز توریستی شهر	برنامه‌ریزی توسعه مراکز تفریحی و گذران اوقات فراغت شهر برای رفاه حال شهروندان
	رعایت ضوابط برنامه‌ریزی در قطعه‌بندی‌ها، آماده‌سازی‌ها و توسعه‌های جدید شهری	
	وضعیت ساماندهی و نگهداری حاشیه رودخانه‌های شهر	ایجاد شبکه‌های دفع فاضلاب شهری
	ایجاد خیابان‌ها، معابر و میادین جدید شهری	ایجاد پایانه‌های مسافربری درون‌شهری و برون‌شهری متناسب با نیاز
	وضعیت بهسازی و مقاوم‌سازی مساکن و محلات قدیمی	ایجاد پارکینگ متناسب با نیاز شهر
	وضعیت آسفالت سواره‌روها و پیاده‌روها	اقدام‌هایی در جهت حفظ نظافت و زیباسازی شهر
	ایجاد و گسترش باغات و فضاهای سبز شهری	نگهداری از تأسیسات عمومی و اموال و دارایی شهر
	وضعیت صدور پروانه برای کلیه ساختمان‌های شهر	دسترسی مناسب به مراکز خدمات عمومی (آموزشی، درمانی، تجاری، رفاهی و غیره)
	توفیق در اجرای درست و به‌موقع طرح‌های عمرانی	وضعیت آماده‌سازی زمین‌های پیرامون شهر جهت هدایت توسعه‌های جدید شهری
	ایجاد محل‌های مخصوص تخلیه زباله	وضعیت بهداشتی شهر (دسترسی به سرویس‌های بهداشتی، نظافت جوی‌ها، مقابله بانفوذ حیوانات خطرناک به خیابان‌های شهر و غیره)

برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی شهری

اقتصاد، رفاهی و خدماتی

(منبع: مشکینی و همکاران، ۱۳۹۵؛ خادم‌الحسینی و بهرامی، ۱۳۹۸؛ محمدی و همکاران، ۱۳۹۹)

محدوده مطالعاتی در این پژوهش شهر یاسوج است که در موقعیت جغرافیایی ۳۰ درجه و ۲۸ دقیقه عرض شمالی و ۵۱ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی قرار گرفته است. دارای مساحتی برابر با ۱۸۰۱ هکتار می‌باشد. از نظر طبیعی بین رودخانه‌های بشار در جنوب و مهران در غرب و کوه‌های دنا در شمال و شرق محصور شده است. شهر یاسوج از سمت شمال و شرق به ارتفاعات زاگرس از سمت جنوب به رودخانه بشار و روستاهای اکبرآباد و نجف‌آباد، از سمت جنوب غربی به شهرک صنعتی و روستای بلوکو، از سمت غرب و شمال غربی به رودخانه مهران و روستای مهران، شرف‌آباد علیا، شرف‌آباد سفلی و وسطی محدود می‌گردد. در شکل (۱) موقعیت شهر یاسوج در ایران و استان کهگیلویه و بویر احمد نشان داده شده است.



شکل ۱. نقشه موقعیت شهر یاسوج در ایران و استان کهگیلویه و بویر احمد

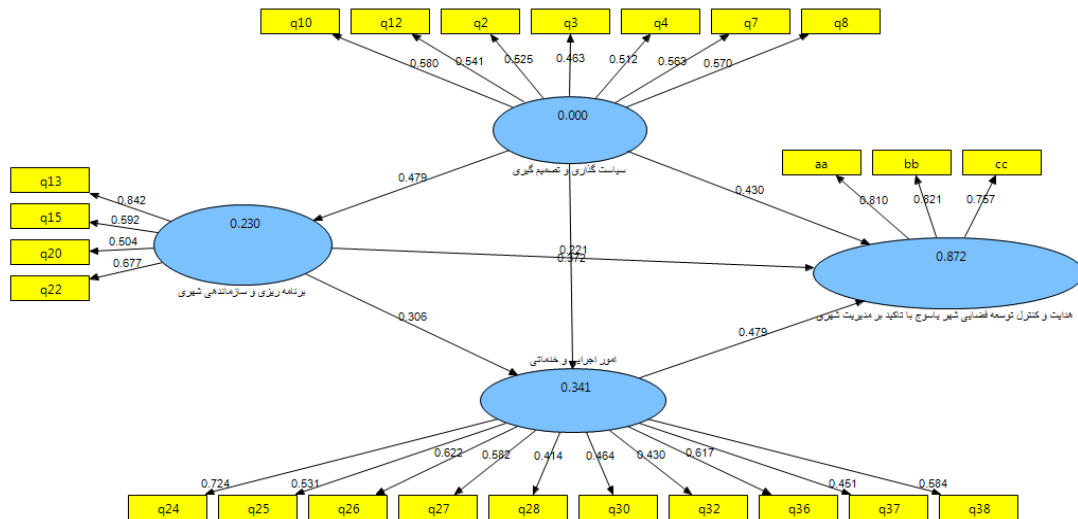
یافته‌های تحقیق

با توجه به اهمیت و نقش مدیریت شهری بر کنترل روند توسعه فضایی - کالبدی شهرها در همین راستا بر اساس بررسی‌های صورت گرفته و با توجه به پیشینه پژوهش می‌توان بیان کرد تأثیر مؤلفه‌های مبنایی مدیریت شهری بر کنترل و هدایت روند توسعه فضایی - کالبدی نواحی پیراشهری یاسوج در ابعاد سه گانه؛ تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری شهری، برنامه‌ریزی و سازماندهی شهری و امور اجرایی و خدمات شهری قابل بررسی است. که در ادامه تأثیر هر یک از این ابعاد سه گانه بر کنترل روند توسعه فضایی - کالبدی با استفاده از روش معادلات ساختاری و با کمک نرم‌افزار اسمارت پی ال اس (Smart P.L.S) مورد بررسی قرار گرفته است که خروجی حاصل در قالب چند بخش قابل تشریح است.

تحلیل عاملی تأییدی

تحلیل عاملی تأییدی، برای سنجش اعتبار و روایی مقیاس اندازه‌گیری مورد استفاده قرار می‌گیرد. در تحلیل عاملی تأییدی، فرضیه‌های معینی درباره ساختار بارهای عاملی او همبستگی‌های متقابل بین متغیرها مورد آزمون قرار می‌گیرد. در تحلیل عاملی تأییدی هر چه میزان بار عاملی به عدد یک نزدیک‌تر باشد گویای ارتباط قوی تر سؤالات پرسشنامه با متغیرهای مکنون است و اگر میزان بار عاملی استاندارد صفر باشد به معنای عدم ارتباط بین سؤال پرسشنامه با متغیر مکنون است. نتایج نهایی تحلیل عاملی تأییدی در قالب (شکل ۲) نشان داده شده است. قابل ذکر است که اگر بارهای عاملی متغیر مذکور بالاتر از ۰/۴ باشند مورد تأیید است و در مدل نهایی قرار می‌گیرد و اگر کم‌تر از ۰/۴ باشد باید حذف شود. بر این اساس طبق خروجی به دست آمده، بارهای عاملی تأییدی (بالاتر از ۰/۴) برای متغیر سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری شهری ۷ شاخص، متغیر برنامه‌ریزی و سازماندهی شهری ۴ شاخص، متغیر امور اجرایی و خدمات شهری ۱۰ شاخص و نهایتاً هدایت و کنترل توسعه فضایی ۳ شاخص است.

¹ Standardized Loading



شکل ۲. نتایج تحلیل عاملی تأییدی

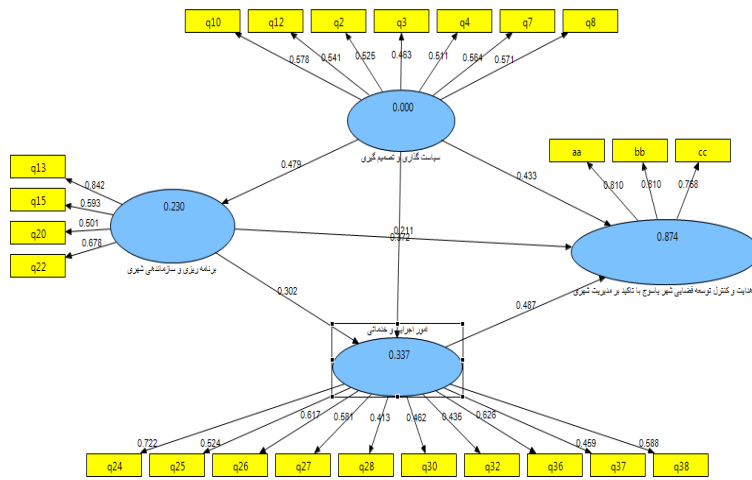
ارزیابی مدل ساختاری

در این مرحله می‌بایست شاخص‌های برازندگی مدل و برازش مدل تعیین شود. از این رو شاخص‌های به‌دست آمده در پی - ال - اس، همگی کیفیت برازش را نشان می‌دهند. نتایج برازندگی در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج برازندگی مدل

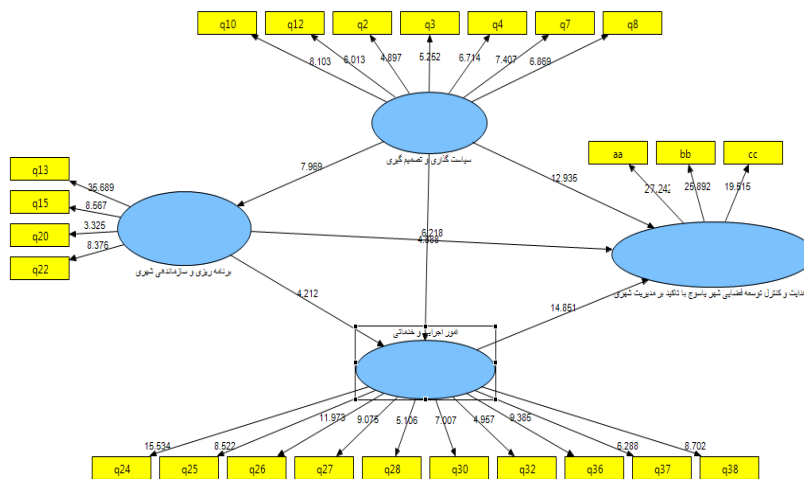
نتیجه	سطح اطمینان	آماره t	میزان بتا (Beta)	متغیرها
تأیید	۹۹ درصد	۱۲/۹۳۵	۰/۴۳۳	سیاست گذاری و تصمیم گیری شهری
تأیید	۹۹ درصد	۴/۸۸۸	۰/۳۷۲	برنامه ریزی و سازماندهی شهری
تأیید	۹۹ درصد	۱۴/۸۵۱	۰/۴۸۷	امور اجرایی و خدماتی

به‌طور کلی در همین ارتباط باید بیان کرد که متغیرهای سه گانه؛ تصمیم گیری و سیاست گذاری شهری، برنامه ریزی و سازماندهی شهری و امور اجرایی و خدمات شهری در مجموع ۰/۸۷۴ درصد متغیر هدایت و کنترل توسعه فضایی مناطق پیراشهری یاسوج را پیش‌بینی می‌کنند. یعنی میزان و نوع عملکرد مدیریت شهری یاسوج در هر یک از این سه بعد چه مثبت یا منفی تأثیر زیادی بر میزان توسعه فضایی مناطق پیراشهر دارد لذا مدیریت شهری به‌عنوان یکی از نهادهای تصمیم‌گیر امور شهر می‌بایست به‌طور مدبرانه‌ای در زمینه نحوه و میزان توسعه فضایی شهر یاسوج و ساماندهی روند پراکنده‌رویی شهر و دست‌اندازی به محدوده‌های پیراشهر و تأثیراتی که می‌تواند در این محدوده‌ها داشته باشد برنامه‌ریزی کند و تدابیری بیاندیشد. در ادامه نمودار مسیر مدل برازش شده در قالب شکل (۳) ارائه شده است.



شکل ۳. مدل معادلات ساختاری در حالت تخمین استاندارد ضرایب مسیر

در ادامه مقدار آماره t برای معناداری بارهای عاملی متغیرهای تحقیق ترسیم شده است (شکل ۴). در صورتی که مقدار آماره t بیشتر از $1/96$ باشد با احتمال $0/95$ درصد مقادیر آزمون تی معنادار می باشد. هم چنین اگر مقدار t بیش تر از $2/58$ باشد پس با احتمال $0/99$ درصد مقادیر آزمون تی معنادار می باشد. از این رو با توجه به این که مقدار آماره تی حاصل شده برای همه بارهای عاملی مدل هدایت و کنترل توسعه فضایی مناطق پیراشهری یا سوج بیش تر از $2/58$ می باشد پس با احتمال $0/99$ مقادیر آزمون تی اکثریت عامل ها یا شاخص ها معنادار می باشد و مورد تأیید است (قابل ذکر است این نتایج پس از اصلاح مدل به دست آمده است).



شکل ۴. مدل معادلات ساختاری در حالت معناداری ضرایب (t-value)

در آخر کیفیت مدل اندازه گیری موردسنجش واقع شده است که نتایج آزمون کیفیت مدل اندازه گیری پیش بینی هدایت و کنترل توسعه فضایی در قالب جدول (۴) ارائه شده است که در جدول مذکور؛ SSO مجموع مجذورات

مشاهدات برای هر بلوک متغیر پنهان، SSE مجموع مجذور خطاهای پیش‌بینی برای هر بلوک متغیر پنهان و SSE/SSO نیز شاخص اعتبار اشتراک یا CV-COM است. اگر شاخص واری اعتبار اشتراک اکثریت متغیرهای پنهان مثبت باشد، مدل اندازه‌گیری کیفیت مناسبی دارد. از این رو طبق هدف اصلی پژوهش که ارائه مدل ساختاری مؤلفه‌های مبنایی مدیریت شهری مؤثر بر هدایت و کنترل روند توسعه فضایی - کالبدی مناطق پیراشهری یاسوج است و همان‌طور که نتایج (جدول ۴) نشان می‌دهد کیفیت مدل اندازه‌گیری پیش‌بینی هدایت و کنترل توسعه فضایی مناطق پیراشهر قابل قبول است.

جدول ۴. سنجش کیفیت مدل اندازه‌گیری

متغیر	مجموع مجذورات مشاهدات (SSO)	مجموع مجذور خطاهای پیش‌بینی (SSE)	شاخص اعتبار اشتراک (SSE/SSO)
امور اجرایی و خدماتی	۱۴۸۰	۱۲۳۹/۷۴	۰/۱۶۲۳
برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی	۷۴۰	۶۸۰/۸۶۴	۰/۰۷۹۹
سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری	۱۰۳۶	۹۸۷/۵۶۰۲	۰/۰۴۶۸
کنترل و هدایت توسعه فضایی	۴۴۴	۳۲۱/۹۲۸	۰/۲۷۴۹

نتیجه‌گیری

امروزه با افزایش جمعیت شهری و هجوم روزافزون روستاییان به شهرها، همه جوانب اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و کالبدی شهر دچار دگرگونی شدیدی شده و شهر از آن حالت ایستا و بدون تغییر به محیطی پویا و سرشار از تناقض تبدیل گردیده و موجب تغییرات کالبدی و فضایی هم در بافت‌های درونی و هم در کاربری‌های اراضی پیرامون شهر شده است با فراگیر شدن پیامدهای منفی گسترش افقی شهرها در جنبه‌های مختلف، کنترل گسترش کالبدی بسیار بااهمیت است که باید مورد توجه دقیق و کافی برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران شهری قرار گیرد (Thaitakoo, 2006: 24). در این راستا مدیریت شهری به‌عنوان نهاد یکپارچه‌سازی کوشش‌های شهروندان و دولت برای بهبود اوضاع زیست - محیطی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی - فیزیکی و اقتصادی شهرها می‌تواند با شکل‌دهی به فضای فیزیکی - کالبدی شهرها از مشکلات ناشی از گسترش افقی شهرها بکاهد و موجبات رفاه شهروندان و پایداری شهری را فراهم آورد (علیان و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۱۲). اگر مدیریت شهری را اداره امور شهر به‌منظور ارتقای مدیریت پایدار و هم‌چنین یک سازمان گسترده متشکل از عناصر و اجزای رسمی و غیررسمی مؤثر و ذی‌ربط در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیات شهری باهدف اداره، کنترل و هدایت توسعه همه‌جانبه و پایداری شهری بدانیم (مرصوصی و بهرامی، ۱۳۹۰: ۵). بنابراین بی‌توجهی به مدیریت توسعه در نظام برنامه‌ریزی شهری می‌تواند تأثیرات مخرب متعددی مثل؛ پاسخگو نبودن طرح‌های تهیه‌شده به مسائل و مشکلات محدوده‌های شهری و نبود ضمانت اجرایی برای به‌اجرای راهبردها و سیاست‌های تدوین‌شده همین طرح‌ها را به دنبال داشته باشد.

هدف این مطالعه، سنجش میزان تأثیرگذاری هر یک از مؤلفه‌های مبنایی مدیریت شهری در کنترل و هدایت روند توسعه فضایی - کالبدی مناطق پیراشهری یاسوج است. بدین منظور در فرآیند تحقیق، به‌منظور شناسایی مفهوم توسعه

ناموزون فضایی - کالبدی شهر و نقش مدیریت شهری ابتدا مبانی نظری و پیشینه تحقیق بررسی شد و در نهایت در راستای هدف پژوهش مدلی ارائه شد که جهت بررسی هدف و برازش مدل از آزمون معادلات ساختاری و تحلیل مسیر بهره گرفته شد. بدین صورت که پس از آزمون تحلیل عاملی تأییدی شاخص‌هایی که بار عاملی آن‌ها کم‌تر از ۰/۴ بود حذف و مدل مورد اصلاح قرار گرفت که پس از اصلاح مدل؛ بارهای عاملی تأییدی (بالا‌تر از ۰/۴) برای متغیر سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری شهری ۷ عامل، برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی شهری ۴ عامل، امور اجرایی و خدمات شهری ۱۰ عامل و هدایت و کنترل توسعه فضایی شهر یاسوج با ۳ عامل در مدل نهایی باقی ماندند. در مرحله بعد ارزیابی مدل ساختاری پژوهش نشان داد که تأثیر متغیرهای سه‌گانه؛ سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری شهری، برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی و امور اجرایی و خدمات شهری بر فرآیند کنترل و هدایت روند توسعه فضایی - کالبدی مناطق پیراشهری یاسوج، ضرایب مسیر به ترتیب (۰/۴۳۳)، (۰/۳۷۲)، (۰/۴۸۷) به دست آمدند که اثر مثبت میان این عوامل را نشان می‌دهند. بدین ترتیب، مؤلفه‌های مبنایی مدیریت شهری (سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری شهری، برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی، امور اجرایی و خدمات شهری) به میزان ۰/۴۳۳، ۰/۳۷۲ و ۰/۴۸۷ تغییرات کنترل و هدایت روند توسعه فضایی - کالبدی را تبیین می‌کنند. تأثیر مؤلفه‌های مبنایی مدیریت شهری (سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری شهری، برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی، امور اجرایی و خدمات شهری) با توجه به آماره $t(۱۲/۹۳۵)$ ، $t(۴/۸۸۸)$ ، $t(۱۴/۸۵۱)$ در سطح ۹۹ درصد معنادار است. بنابراین مؤلفه‌های مبنایی مدیریت شهری بر کنترل و هدایت روند توسعه فضایی - کالبدی محدوده تأثیر مثبت و معنادار دارد. هم‌چنین به‌طور کلی این سه مؤلفه مبنایی مدیریت شهری در مجموع ۰/۸۷۴ درصد متغیر هدایت و کنترل توسعه فضایی محدوده مطالعاتی را پیش‌بینی می‌کنند و نهایتاً شاخص واریانس اعتبار اشتراک همه متغیرهای پنهان (سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری شهری، برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی، امور اجرایی و خدمات شهری و هدایت و کنترل توسعه فضایی شهر یاسوج) مثبت بوده که حاکی از مناسب بودن کیفیت مدل اندازه‌گیری است. همسو با نتایج این پژوهش، جمشیدزهی‌شهبخش و قنبری (۱۳۹۹) نیز معتقدند که خزش شهر زاهدان بر روند توسعه فضایی روستاهای پیراشهری تأثیرات مثبت (بخش خدمات) و منفی (بخش کشاورزی) داشته است. طولابی‌نژاد و سهرابی (۱۳۹۹) نیز بیان کردند که نحوه عملکرد مدیران (دهیاران) در میزان رضایت ساکنین پیراشهری شهرستان پلدختر در ابعاد زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی مؤثر است. از طرفی عنابستانی و فعال جلالی (۱۴۰۰) معتقدند که هر چه نظارت دهیاران بیشتر باشد روند توسعه کالبدی - فضایی روستاهای پیراشهری مشهد متوازن‌تر خواهد بود. نتایج پژوهش ریاحی و معصومی (۱۳۹۹) نیز حاکی از آن است که با افزایش فاصله از شهر، میزان چالش‌های مدیریت روستایی تأثیر کم‌تری بر توسعه‌نیافتگی روستاهای پیرامون شهر دارد چراکه روستاهایی که به شهر نزدیک‌تر بوده‌اند بیشتر تحت قوانین و مقررات شهر قرار داشته‌اند. پوریوسفی (۱۳۹۸) نیز معتقد است ساختار تشکیلاتی و سطح تخصص مدیران شهری در عملکرد بهینه و دستیابی به اهداف مدیریت شهری در راستای توسعه فضایی - کالبدی شهر چالوس نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. لذا طبق گفته کاظمیان شیروان و همکاران (۱۳۹۶) مناطقی که در قلمروی فضایی پیرامون کلانشهرها گسترش یافته است باید با دقت و حساسیت بیش‌تری به مدیریت ساختاری - کارکردی آن‌ها پرداخته شود.

به طور کلی تغییرات شدید و غیرمنطقی کاربری زمین، نقش جریان‌های پنهان، زمین‌خواری، انتقال غیرقانونی زمین‌های دولتی، تعارضات زمین، معاملات غیررسمی زمین، عدم مدیریت به موقع تغییرات، وجود قوانین متزلزل شهری، عدم حمایت جامع و کافی از شهرداری در مسئله مدیریت توسعه فضایی مناطق پیراشهری یا سوج از ناپایداری‌های کالبدی - فضایی این منطقه است که خروج از ناپایداری‌های کالبدی - فضایی کنونی منطقه مستلزم طراحی الگوی بهینه مدیریت شهری است. چراکه مدیریت شهری به‌عنوان ابزاری سودمند برای سامان دادن اندام واره شهر، مسئولیت هدایت توسعه‌های درون‌زا و برون‌زای این سیستم ارگانیک را بر عهده دارد و به‌عنوان نهادی مدنی برخاسته از مردم در جهت توسعه پایدار و توسعه انسانی گام برمی‌دارد. در تمام این عرصه‌ها شهرداری نه فقط در زیربناهای مربوط بلکه در برنامه‌ریزی، مدیریت و توسعه این عرصه نقش دارند. در همین ارتباط باید اشاره کرد؛ دخالت‌های جناح سیاسی و گروه‌های مختلف ذی‌نفوذ، وجود فساد اداری، استفاده از افراد غیرمتخصص در شهرداری، تمرکز اختیارات سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرا در سازمان‌ها و نهادهای دولتی و نامشخص بودن جایگاه مدیریت شهری در ایجاد هماهنگی‌های سازمانی جهت اجرای قوانین و ضوابط رسمی و قانونی در تحولات کالبدی - فضایی از مهم‌ترین موانع اساسی پیش‌روی مدیریت شهری است. بنابراین یکی از الزامات توسعه کالبدی - فضایی منسجم و پایدار، ایجاد یک نظام هدایت و کنترل مؤثر تحولات کالبدی - فضایی آن از طریق تمرکززدایی به سطح مدیریت شهری و مشارکت گروه‌ها و بازیگران متعدد محلی از بخش‌های خصوصی و مردمی در مدیریت توسعه شهری است. در همین ارتباط اقداماتی از قبیل؛ تصمیم‌گیری مشارکتی، ساختار قدرت غیرمتمرکز، یکپارچه‌سازی نهادی، تفویض اختیارات به سطح محلی، ایجاد بسترهای قانونی لازم جهت اداره مطلوب زمین، حذف بورس‌بازی در مدیریت زمین با توجه به اصول توسعه پایدار پیشنهاد می‌شود.

- قرار دادن شهرداری در رأس مدیریت یکپارچه هماهنگ شهری؛
- نیازسنجی و در اولویت قرار دادن نیازهای اساسی شهروندان در امر خدمات‌رسانی شهری؛
- شاخص‌های کالبدی - فضایی در رأس برنامه‌های عملیاتی مدیریت شهری و شهرداری قرار گیرد؛
- توزیع متناسب انواع خدمات در کل شهر جهت تحقق عدالت فضایی توسط مدیریت شهری فراهم شود؛
- جلوگیری از گسترش منفصل در ضلع شرقی و شمالی شهر از طریق ایجاد محدوده‌های محافظت‌شده؛
- شناساندن جایگاه مدیریت شهری، مشخص کردن جایگاه و مسئولیت‌های شهرداری به‌عنوان عنصر اجرایی در نظام مدیریت شهری؛
- تقویت بعد کنترل و نظارتی شهرداری و سایر دستگاه‌های متولی امور شهری به‌منظور جلوگیری از ساخت‌وسازهای بی‌رویه و ناهماهنگ با کالبد شهر؛ و
- از آنجا که توسعه فیزیکی شهر امری اجتناب‌ناپذیر است باید سعی شود توسعه شهر در جهاتی غیر از زمین‌های کشاورزی هدایت شود.

منابع

- احدنژادروشتی، محسن، حسینی، احمد (۱۳۹۰). ارزیابی و پیش‌بینی تغییرات و پراکنش افقی شهرها با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای چند زمانه و سیستم اطلاعات جغرافیایی (نمونه موردی: شهر تبریز در مقطع زمانی ۱۳۶۳-۱۳۸۹)، پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال دوم، شماره ۴، صص ۲۰-۱.
- اسمعیل پور، فاطمه، سرایی، محمدحسین، اسمعیل پور، نجم (۱۳۹۹). تحلیل کمی الگوی رشد کالبدی - فضایی شهر اراک، جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، سال دهم، شماره ۳۵، صص ۶۵-۸۴.
- افراخته، حسن، حجی‌پور، محمد (۱۳۹۲). خزش شهری و پیامدهای آن در توسعه پایدار روستایی (مورد: روستاهای پیراشهری شهر بیرجند). جغرافیا (فصلنامه بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران)، سال یازدهم، شماره ۳۹، صص ۱۸۵-۱۵۸.
- امینی، جمال، احمدتوزه، واحد (۱۳۹۸). تحلیلی بر جهات بهینه توسعه فضایی - کالبدی شهر مهاباد، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس، دوره ۱۱، شماره ۴۱، صص ۱۰۶-۸۸.
- آرزم، فاطمه، امیری، معراج، اورنگ‌پور، راضیه، پرکم، معصومه، آرزم، شیوا (۱۳۹۹). نقش مدیریت شهری (شهرداری‌ها) در توسعه پایدار شهرها، پژوهش‌های نوین علوم جغرافیایی، معماری و شهرسازی، شماره ۲۵، صص ۷۳-۸۲.
- پوراحمد، احمد، مهدی، حسام، حدیثه، آشور، محمدپور، صابر (۱۳۸۹). تحلیلی بر الگوی گسترش کالبدی - فضایی شهر گرگان با استفاده از مدل‌های آنتروپی شانون و هلدرن، پژوهش‌های برنامه‌ریزی شهری، دوره ۱، شماره ۳، صص ۱۸-۱.
- پورمحمدی، محمدرضا، جام کسری، محمد (۱۳۹۰). تحلیلی بر الگوی توسعه ناموزون تبریز، تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۵، شماره ۱۰۰، صص ۳۱-۵۴.
- پوریوسفی، مرجان (۱۳۹۸). نقش مدیریت شهری و شهرداری در توسعه کالبدی - فیزیکی شهرها با تأکید بر تغییر کاربری اراضی (مطالعه موردی: شهر چالوس)، نخستین کنفرانس ملی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و روستایی، مرکز بین‌المللی همایش‌ها و سمینارهای توسعه پایدار علوم جهان اسلام - مؤسسه آموزش عالی حکمت، ۹ مرداد، تهران.
- جمشیدزهی‌شهبخش، امید، قنبری، سیروس (۱۳۹۹). خزش شهری و تحولات کالبدی - فضایی سکونتگاه‌های پیراشهر زاهدان، توسعه فضاهای پیراشهری، سال دوم، شماره ۳، صص ۸۵-۱۰۴.
- حسینی، حسین، زنگی‌آبادی، علی (۱۳۹۶). تحلیل روند و نحوه گسترش شهرهای سیاسی - اداری ایران (مورد پژوهشی: یاسوج از پیدایش تا کنون). جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، سال ۲۸، شماره ۴، صص ۱۶۴-۱۴۳.
- حق‌پناه، یعقوب، رفیعان، مجتبی، کامیابی، سعید، ارغان، عباس (۱۳۹۸). تبیین نقش الگوی مدیریت زمین شهری مبتنی بر توسعه کالبدی - فضایی شهرها (مورد پژوهی: منطقه ۱۲ کلانشهر تهران)، پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال ۱۰، شماره پیاپی ۳۷، صص ۸۲-۶۷.
- خادم‌الحسینی، احمد، بهرامی، انوشیروان (۱۳۹۸). ارزیابی عملکرد مدیریت شهری در پایدار شهری (مطالعه موردی: شهر ایذه)، جغرافیا و مطالعات محیطی، سال هشتم، شماره ۳۰، صص ۴۸-۳۳.

- خیرالدین، رضا، ایمانی، جواد، فروهر، امیر (۱۳۹۲). تحلیل پیامدهای فضایی اقدامات مدیریت شهری در بافت‌های قدیم و جدید کلانشهر تبریز، اقتصاد و مدیریت شهری، شماره ۴، صص ۹۳-۱۰۹.
- دانشپور، زهره (۱۳۵). تحلیل نابرابری فضایی در محیط‌های پیراشهری، هنرهای زیبا، دوره ۲۸، شماره ۲۸، پیاپی ۱۴۰۷، صص ۱۴-۵.
- رفیعی، مهران، خطیبی، سیدمحمد رضا، داودپور، زهره (۱۳۹۹). تبیین مفهوم پیراشهری و عوامل مؤثر در ایجاد و توسعه آن، باغ نظر، دوره ۱۷، شماره ۹۲، صص ۵۰-۲۹.
- رهنما، محمد رحیم، رضائیان، بیتا (۱۳۹۳). سنجش میزان پراکنش و فشردگی شکل کلان‌شهرهای ایران با استفاده از مدل‌های کمی، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال ۴، شماره ۱۶، صص ۸۷-۱۰۷.
- ریاحی، وحید، معصومی، مهدی (۱۳۹۹). چالش‌های مدیریت روستایی و نقش آن در توسعه نیافتگی روستاهای پیراشهری (مورد: شهر شیراز)، توسعه فضاهای پیراشهری، سال دوم، شماره اول، پیاپی ۳، صص ۸۴-۶۵.
- سیاف‌زاده، علیرضا، ظاهری، زلیخا (۱۳۹۶). بررسی عملکرد مدیریت شهری و نقش آن در توسعه فضایی - کالبدی (مطالعه موردی: شهر سردشت)، دومین همایش بین‌المللی افق‌های نوین در مهندسی عمران معماری و شهرسازی و مدیریت فرهنگی شهرها، انجمن افق نوین علم و فناوری، ۱۳ اردیبهشت، تهران.
- سیف‌الدینی، فرانک، زیاری، کرامت‌الله، پوراحمد، احمد، نیک‌پور، عامر (۱۳۹۱). تبیین پراکنش و فشردگی فرم شهری در آمل با رویکرد فرم شهری پایدار، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۴، شماره ۸۰، صص ۱۷۶-۱۵۵.
- طولابی‌نژاد، مهرشاد، سهرابی، محسن (۱۳۹۹). تحلیل عملکرد مدیران سکونتگاه‌های پیراشهری با رویکرد توسعه پایدار فضا (مورد: شهرستان پلدختر)، توسعه فضاهای پیراشهری، سال دوم، شماره ۲، پیاپی ۴، صص ۹۴-۶۹.
- علیان، مهدی، فرجی، امین، سرایی، محمدحسین (۱۳۹۶). تحلیل عملکرد مدیریت شهری بر پایه معیارهای پایداری محله‌ای در بافت تاریخی شهر یزد، جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، شماره ۲۴، صص ۲۱۴-۱۹۵.
- عنابستانی، علی‌اکبر، فعال‌جلالی، امین (۱۴۰۰). تحلیل میزان اثرگذاری نظارت دهیاری‌ها بر ساخت و سازهای توسعه کالبدی (مطالعه موردی: روستاهای پیراشهری کلانشهری مشهد)، برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، سال ۶، شماره ۱، صص ۶۷-۴.
- فیروزنیا، قدیر، موسی کاظمی، سیدمهدی، صادقی طاهری، اعظم (۱۳۹۰). تحلیل تأثیر فاصله در میزان ادغام روستاهای الحاقی به شهر (مطالعه موردی: روستاهای الحاقی در شهر کاشان)، پژوهش‌های روستایی، سال ۲، شماره ۴، صص ۱۵۱-۱۲۳.
- قدمی، مصطفی، یوسفیان، پریناز (۱۳۹۳). تحلیلی بر تغییرات ساختار فضایی شهر اصفهان با گریزی بر آلودگی هوا، مطالعات برنامه‌ریزی شهری، سال دوم، شماره ۸، صص ۸۶-۶۳.
- قدیری، محمود، زیاری، کرامت‌الله، دستا، فرزانه (۱۳۹۳). تحلیل تحولات فرم فضایی شهر یزد طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰، جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، سال ۲۵، پیاپی ۵۶، شماره ۴، صص ۳۶-۱۷.
- قربانی، جواد، رحمانی، بیژن (۱۳۹۴). تأثیر گسترش فیزیکی شهر سلطانیه بر روستاهای پیرامونی، اولین همایش گردشگری، جغرافیا و محیط زیست پاک، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

- کاظمیان شیروان، غلامرضا، ضیائی، محمود، امیری، مقصود، مرادی، حسین (۱۳۹۶). بررسی استقرار خرده نظام مدیریت مناطق پیراشهری (مطالعه موردی: منطقه ۲۲ کلانشهر تهران)، اقتصاد و مدیریت شهری، دوره ۵، شماره ۲، صص ۴۱-۵۶.
- کاظمیان، غلامرضا، ضیایی، محمود، امیری، مقصود، مرادی، حسین (۱۳۹۷). ارائه الگویی برای مدیریت مناطق پیراشهری کلان‌شهر تهران (مورد مطالعه: منطقه ۲۲)، جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، سال هشتم، شماره ۲، صص ۳۷۸-۳۶۱.
- کریمی، ببرز، پیوسته‌گر، یعقوب، تقوایی، مسعود (۱۳۹۹). تحلیل و ارزیابی روند توسعه فضایی کلانشهر شیراز در افق ۱۴۰۱ با استفاده از مدل تحول زمین و تکنیک هلدرن، پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال ۱۱، شماره پیاپی ۴۰، صص ۱۲۳-۱۳۶.
- محمدی، پژمان، زیاری، یوسفعلی، توکلان، علی (۱۳۹۹). تحلیلی بر اثرگذاری ابعاد مدیریت شهری بر شاخص‌های زیست‌پذیری شهری (مطالعه موردی: شهر شهرکرد)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۵۲، شماره ۳، صص ۱۰۶۹-۱۰۵۵.
- محمدی، زهرا، نجفی‌کانی، علی‌اکبر، قانقرمه، عبدالعظیم (۱۳۹۵). بررسی توسعه کالبدی - فضایی شهرهای ساحلی با تأکید بر توسعه پایدار (مطالعه موردی: شهر بندر ترکمن). آمایش جغرافیایی فضا، سال ششم، صص ۱۶۶-۱۵۲.
- مدیری، مهدی، حیاتی، سلمان، رضایی‌مقدم، علی (۱۳۹۶). تحلیل و بررسی الگوی توسعه فضایی کلانشهر مشهد، مدیریت شهری، شماره ۴۶، صص ۲۲-۷.
- مرصوسی، نفیسه، بهرامی‌پاوه، رحمت‌اله (۱۳۹۰). توسعه پایدار شهری، تهران، نشر دانشگاه پیام نور.
- مشکینی، ابوالفضل، مولائی‌قلیچی، محمد، خاوریان‌گرمسیر، امیررضا (۱۳۹۵). روندهای پراکنده‌رویی شهری و برنامه‌ریزی توسعه فضایی پایدار (مطالعه موردی: منطقه ۲ تهران)، معماری شهر پایدار، سال چهارم، شماره دو، صص ۴۳-۵۴.
- منتظر، فرامرز، نظم‌فر، حسین، یزدانی، محمدحسن (۱۳۹۷). تحلیل توسعه فضایی شهر اردبیل در دوره زمانی (۱۳۹۰-۱۳۳۵). مطالعات عمران شهری، صص ۱۳۶-۱۲۰.
- یاسوری، مجید، سجودی، مریم (۱۳۹۸). تدوین وضعیت توسعه فضایی در شهرستان رشت با تأکید بر الگوی راهبرد توسعه منطقه‌ای (RDS)، راهبرد توسعه، شماره ۵۷، صص ۱۸۲-۱۵۵.
- Amoateng, P., Cobbinah, P.B., & OwusuAdade, K (2014). **Managing physical development in peri-urban areas of Kumasi, Ghana: A case of Abuakwa**, Journal of Urban and Environmental Engineering, 7 (14), pp. 12-20.
- Ansah, J., & Francisca, A (2016). **The spatial expression of physical development controls in a fast-growing Ghanaian city**, Land Use Policy, 54 (8), pp. 52-64.
- Caruso, G (2015). Peri-Urbanisation: the situation in Europe. A bibliographical note and survey of studies in the Netherlands, Belgium Great Britain, Germany, Italy and the Nordic countries.
- Chigudu, A (2021). **Influence of Colonial Planning Legislation on Spatial Development in Zimbabwe and Zambia**, Development March, 147 (21), pp. 128-134.
- El-Kawy, A. O. R., Rød, J. K., Ismail, H. A., & Suliman, A.S (2011). **Land Use and Land Cover Change Detection in the Western Nile Delta of Egypt Using Remote Sensing Data**, Applied Geography, 31(2), pp. 483-494.

- Ewinga, R., Hamidib, Sh., Gracec, J., & Dennis Weid, Y (2016). **Does urban sprawl hold down upward mobility?**, Landscape and Urban Planning, 148 (16), pp. 80-88
- Fang, L., Li, P., & Song, S (2017). **China's urban development policies and city growth dynamics: An analysis based on the Gibrat's Law**, International Review of Economics & Finance, 52 (11), pp. 322-329.
- Greca, P., Barbarossa, L., Ignaccolo, M., Inturri, G., & Martinico, F (2011). **The density dilemma. A proposal for introducing smart growth principles in a sprawling settlement within Catania metropolitan area**, Cities, 28 (7), pp. 527-535.
- Karakuzulu, Z., Arici, F., & Dogan, S (2020). **Spatial development of Adapazari City (Turkey) after the 1999 earthquake (1999-2017)**, Arabian Journal of Geosciences, 13 (22), pp. 118-129.
- Olga, S., Nikolaos, K., & Theologos, L (2016). **Evidence of complex site effects and soil non-linearity numerically estimated by 2D vs 1D seismic response analyses in the city of Xanthi**, Social and Behavioral Sciences, 54 (3), pp. 42-50.
- Owusu-Ansah, J.K., & Atta-Boateng, F (2016). **The spatial expression of physical development controls in a fast-growing Ghanaian city**, Journal of Land Use Policy, 54 (12), pp. 147-157.
- Qingsong, H., Song, Y., Yaolin, L., & Chaohui, Yin (2017). **Diffusion or coalescence? Urban growth pattern and change in 363 Chinese cities from 1995 to 2015**, journal of sustainable cities and society, 35(10), pp. 729- 739.
- Thaitakoo, D (2006). **Toward a Way to Balance Conservation and Development in the Ayutthaya Historic Town Centers**. Journal of Humanities, 22(12), pp. 34-16.
- Triantakoustantis, D., Prastacos, P., & Tsoukala, A (2013). **Analyzing urban sprawl in Rethymno, Greece**. Journal of Indian Society Remote Sensing, 7 (14), pp. 1-10.
- Wiedmann, F., Salama, M.A., & Thierstein, A (2012). **Urban Evolution of the City of Doha: An Investigation into the Impact of Economic Transformations on Urban Structures**. URBAN EV, 29, 2.
- Williams, K (2000). **Urban intensification policies in England: problems and contradictions**. Land Use Policy, 16 (3), pp.167-178.
- Wilson, R. (2015). **Indigenous land management in urban and peri-urban landscapes**. Hons thesis., University of the Sunshine Coast.
- Wilson, R., & Pearce, T. (2017). **Management Challenges for Aboriginal Cultural Heritage in Peri-urban Queensland**. Australian Geographer, 48(2), 203-217.